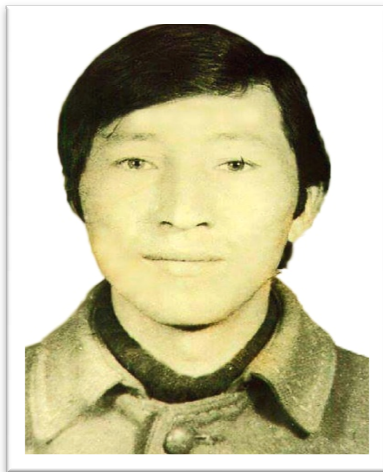




یادنامه یکی از بانیان و رهبران ارجمند "ساما" زنده یاد استاد "رسول جرأت"

ای رهروان سلسله عشق و دوستی
نام شما به لوحه تقدیس نبشته اند
جاوید بود راه شما، راهیان عشق
ورد زبان مردم دنیا گشته اید
«سرمه»



طبق منابع موجود، "رسول جرأت" فرزند "جوره قل" در صبحگاه یکی از روزهای سال ۱۳۲۸ شمسی در روستای کارگرخانه ولسوالی اندخوی ولایت فاریاب، در دامان یک خانواده منور زاده شد. رسول که در یک جامعه تقسیم شده به غنی و فقیر در متن فقر زاده شد، از همان آوان کودکی با طعم تلخ فقر، ستم و تنگناهای زندگی رو به رو بوده و آشنا شد. قبل از دوره مکتب، با ذکاوت خاصی که داشت، به فراگیری دروس متداوله پرداخته و در سن ۸ سالگی به مکتب ابومسلم آن زمان شامل گردیده و دوره ابتدائی و متوسطه را موفّقانه به پایان رساند. وی دوره ثانوی را در لیسه عالی باختر ولایت بلخ در سال ۱۳۴۹ش به پایان رسانیده و متعاقباً به منظور ارتقای سطح علمی اش و به اساس لیاقت شامل مؤسسه تربیت معلم قندهار گردید.

در سال ۱۳۵۱ش پس از فراغت از صنف چهاردهم آن مؤسسه، به صفت معلم در لیسه گزنیوان ولایت فاریاب تقرر حاصل کرد. پس از گذشت یک سال در مکتب متذکره، در سال ۱۳۵۲ش نظر به لزوم دید مدیریت معارف وقت به مکتب لیسه ابومسلم اندخوی تبدیل گردید. رسول جرأت پس از دو سال اجرای وظیفه و تدریس در اوائل سال ۱۳۵۵ش بنا بر خواهش و علاقه خودش، به پوهنخی ادبیات و علوم بشری پوهنتون کابل مجدداً از سمستر پنجم به ادامه تحصیل پرداخت.

با ختم مؤفقانه دوره عالی لیسانس در آن نهاد تحصیلی، در مؤسسه عالی تربیت معلم فاریاب به صفت استاد ادبیات تقرر حاصل کرد. رسول جرأت مردی از تبار آزادگی، مبارزه و عشق بود. او عطش روزافزون به کتاب، مطالعه و تحقیق داشت و تبحر بی مانندی در عرصه ادبیات، فلسفه و علوم تاریخ، سیاست، مردم شناسی و... داشت.

استاد رسول جرأت سخندان ماهر، سخنران شیرین کلام و ادیب توانائی بود. جرأت در یک رساله تحقیقی اش (مونوگراف) تحت عنوان "انعکاس دیالکتیک در مثنوی مولانا" اصول و قانون دیالکتیکی تضاد را به بررسی گرفته بود که در نوعش در سطح افغانستان بکر و تلاشی ابتکاری بی سابقه بود.

استاد جرأت که از تولد تا جوانی طعم تلخ فقر را در دامن نظام های طبقاتی و منقسم به اغنیاء و فقراء چشیده بود و از آن تجربه حسی مستقیم داشت، با ذهن کنجکاو و جست و جوگرش راه ها و الگو های ممکنه رهائی و نجات ستمدیدگان و مظلومان را از جهنم ستمگران مطالعه و سبک و سنگین کرده بود. به همین منظور قبل از به وجود آمدن جنبش دموکراتیک نوین، با محافل روشنفکری در تماس بود.

دوره ثانوی مکتب زنده یاد رسول جرأت در لیسه باختر شهر مزار شریف با اوج مبارزات قانونی شهری از دانشگاه کابل تا مراکز تولیدی و کارگری جنگلک، نساجی گلپهار و نفت و گاز شبرغان و مکاتب ولایات، نشر جراید علنی سیاسی به ویژه جریده "شعله جاوید" مصادف بود. در آن جو پر از تب و تاب مبارزاتی دهه چهل شمسی، رسول جرأت مثل بسا از روشنفکران جست و جوگر کشور، گمشده اش را در وجود جریان شکوهمند "دموکراتیک نوین" یافته و به صفوف آن جریان باعظمت پیوسته و اندیشه های زنجیر گسل دموکراتیک نوین را درفش مبارزاتی خود ساخت. با بالا گرفتن اختلافات محفلی و آغاز انتقادات اعضاء و هواداران "سازمان جوانان مترقی" و "جریان دموکراتیک نوین" بر سبک کار و کاستی های فراوان آن سازمان و جریان و رهبران مؤثرش و ناتوانی سازمان در متن بحران زدگی از پاسخگوئی و چاره جوئی، "گروه انتقادیون" در داخل آن سازمان و جریان شکل گرفت که در ادامه با محوریت گرامی یاد "داکتر فیض احمد" و به اشتراک تعدادی از "شعله ئی" های ناراضی در بهار سال ۱۳۵۲ش با نشر جزوه "با طرد اپورتونیسیم...."، به "گروه انقلابی خلق های افغانستان" تغییر نام داد. با برآمد گروه اخیر الذکر، تعدادی از اعضاء سازمان و جریان نامبرده به شمول رسول جرأت و داوود سرمد عضو این گروه بودند.

پس از دسترسی به اندیشه پیشرو عصر و در پرتو آن، استاد رسول جرأت مثل سائر مبارزان روشنفکری، بر این حقیقت دست یافتند که تفاوت های ملیتی، نژادی، سمتی و قومی در جامعه کثیرالمله ای مثل افغانستان نمی تواند مانع وحدت طبقاتی و مبارزاتی زحمتکشان همسرنوشت جامعه ما در مبارزه مشترک برای آزادی، رفع نابرابری طبقاتی، ستم و استثمار، و عدالت و ترقی اجتماعی شود. او مبارزه علیه ستم ملی و تبعیض قومی را جدا از مبارزه علیه استعمار و امپریالیسم و مبارزه طبقاتی نمی دانست و باور داشت که رفع ستم و تبعیض قومی صرف از همین کانال ممکن الحصول است و نمی تواند جایگزین آن شود.

پس از تبارز علنی و انتقادی "گروه انقلابی..." بر "سازمان جوانان مترقی" و "جریان شعله جاوید"، بر پایه برخی برداشت های مشترک از آن جریان و سازمان، همکاری مشترکی میان این گروه به رهبری داکتر فیض احمد و "گروه مجید" که از اواخر سال ۱۳۴۹ش مستقلانه و با دیدی انتقادی نسبت به آن سازمان و جریان فعالیت مخفی داشت، برای ایجاد سازمان و برنامه سازمانی در خط ستراتیژیک "جنگ توده ئی طولانی" با کاربرد سه سلاح انقلاب، آغاز شد. بدین منظور، "کمپسیون مشترک" پنج نفره به اشتراک رفقاء مجید، فیض احمد، شریف، داوود سرمد، و عبید تأسیس یافت. این همکاری مشترک (نه ادغام تشکیلاتی) از سال ۱۳۵۴ تا خزان ۱۳۵۷ش با کار مشترک تدارکاتی در عرصه های مختلف برای ایجاد سازمان و برنامه سازمانی و آموزش جوانان ادامه یافت.

در سال ۱۳۵۷ شمسی پس از کودتای مزدوران ۷ توری سوسیال امپریالیسم روسی و تبعات آن کودتا؛ سیر قهقرائی و فرو ریختن برخی از سنگر های مستحکم انقلابی در منطقه (طرح تئوری رویزیونیستی و سراپا ضد انقلابی سه جهان توسط روندگان راه سرمایه داری در چین)؛ و روی وظائف مبرم مبارزاتی آن مقطع زمانی در کشور ما و تفسیر متضاد هر دو جانب از آن سه رویداد؛ آن همکاری پایان یافته و کمیسیون مشترک نیز کارش خاتمه یافته و از هم پاشید و هر دو گروه پی کار خود رفتند. در این همکاری تدارکاتی میان دو گروه نامبرده، نه ادغامی وجود داشت و در پایان نه انشعابی. در ختم کار "کمیسیون مشترک" نامبرده، رفقاء استاد رسول جرأت با داوود سرمد از اعضای "گروه انقلابی..." از گروه انقلابی داکتر فیض احمد بریده و بر اساس همسوئی ایدئولوژیک، سیاسی و عملی روی آن سه مسأله با رفقاء مجید و شریف، به جمع همسنگران رفیق مجید پیوسته و با سائر محافل و گروه های منسوب به جنبش چپ انقلابی در پروسه تدارک "ساما" سهم فعال و مرکزی گرفت. زنده یاد استاد رسول جرأت در پروسه وحدت و کنفرانس مؤسس سرطان سال ۱۳۵۸ش سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) اشتراک نموده و عضویت کمیته مرکزی سازمان و عضویت کمیته تشکیلات را کسب کرد.

پس از ایجاد "ساما" رفیق جرأت در کنار زنده یاد مجید به عنوان یکی از مؤسسان و رهبران منتخب "ساما" در راه استحکام این گردان انقلابی و آزادیبخش تازه تأسیس تلاش بدون وقفه شباروزی کرد. با دریغ استاد رسول جرأت در تداوم تلاش برای استحکام "ساما" و تدارک برای نبرد آزادیبخش ضد سوسیال امپریالیسم اشغالگر روسی و مزدوران میهن فروش و ضد انقلابی، به زودی مورد پیگرد سگان بوی کش و جلادان دستگاه جهنمی "اگسا"ی حزب جنایتکار و میهن فروش "دموکراتیک خلق" قرار گرفت. در اثر افشاء شدن جا و محل جلسه رفقاء به جواسیس "اگسا"، تعدادی از رهبران و کادر های ممتاز "ساما" در منزل انجنیر عزیز واقع در محله چهلستون شهر کابل، استاد رسول جرأت و سائر همزمانش به شمول آموزگار فرزندان زحمتکشان شریف، بلبل انقلاب داوود سرمد، انجنیر قدوس، پاسدار مرز حریت فقیر (حنیف) کادر نظامی "ساما"، انجنیر عزیز، انجنیر داوود منگل و حسین طغیان به روز سه شنبه ۱۹ سرطان ۱۳۵۸ش برابر با دهم جولای ۱۹۷۹م (به روایت فهرست پنج هزار نفری اعدام شدگان توسط "اگسا"، سه شنبه ۲۷ سرطان ۱۳۵۸ش برابر با هژدهم جولای ۱۹۷۹م جاودانه شد) که فقط چند روزی از تأسیس "ساما" می گذشت، دستگیر گردیده و پس از سپری کردن چنده ماه در چنگ دشمن غدار ملی و تاریخی خلق و انقلابیون افغانستان، توأم با شکنجه های طاقت فرسا توسط دستگاه آدمکشی "اگسا" و با فیصله و دستور حزب و دولت جلاد پیشه "خلقی - پرچی" یک جا جاودانه شده و جلادان شان جنایت هولناک تاریخی را مرتکب و بالآخر، ننگ و نفرین ابدی را کمائی کردند.

پس از دستگیری این رفقاء، به جاودانه یاد مجید پیشنهاد شد که باید جای بود و باش خود را عوض کند تا خطری احتمالی متوجه ایشان و سائر رفقاء نباشد، زنده یاد مجید در پاسخ به این پیشنهاد دلسوزانه چنین گفته بود: "نمی خواهم کاری کنم که اگر آن ها روزی از زندان نجات یابند، در دل آنها بگذرد که گویا من بر ایمان انقلابی، استقامت و جانبازی آنها باور نداشته، برای حفظ خود، خانه ام را تغییر داده ام. می دانم که در آن صورت درک آن بی باوری، بد تر از تمام شکنجه های دنیا آنها را معذب خواهد ساخت."

استاد جرأت به حق یکی از پیشتازان راه مبارزه، اندیشه مبشر تغییر و عملورز راستین، بی غش و بی ادعائی بود. ترازنامه کار زنده یاد رسول جرأت در بخش جلب و جذب جوانان به مبارزه انقلابی، به کار منسجم تشکیلاتی و آموختاندن مبانی و مفاهیم علم انقلاب به آن جوانان در چندین ولایت شمالی کشور عالی و چشمگیر بوده است. جرأت در کوره های آتشین زندگی و رزمندگی گداخته شده و به مثابه یک روشنفکر انقلابی با تأیید وسیع مردمی، آگاهانه و عاشقانه در راه پر از مخاطره روشنگری، آگاهگری و انسجام ستمکشان میهن قدم گذارده و در پرتو آگاهی های پیشرو علمی، سیاسی،

فلسفی، تاریخی و ادبی اش و با وقوف بر نقش طبقات در تحولات اجتماعی به ویژه نقش تاریخ ساز طبقه کارگر و سائر زحمتکشان در امر براندازی نظام های کهن و ستم و استثمار؛ با آگاهی بر نقش تشکیلات و گردان پیشاهنگ و سائر ابزارانقلابی، در متن طوفان های زمان قدم بی برگشت در راه مبارزه جمعی سازمان یافته بر ضد استبداد، ارتجاع و امپریالیسم اشغالگر روسی و مزدوران بومی اش گذارد.

زنده یاد رسول جرأت در زندگی کوتاه، ولی پربارش مبارزات سازنده عظیمی را همراه با رفقاء مجید و دیگران علیه اپورتونیسم و رویزیونیسم در پرتو اندیشه های پیشرو عصر به پیش برده و در راه وحدت فکری، سیاسی و سازمانی منسوبان جنبش انقلابی ضد ارتجاعی و ضد استعماری در کشور نقش بسزائی داشت. رفیق جرأت مبارز انقلابی آرمانخواهی بود که اندیشه را از طریق پراتیک جمعی و راه و رسم انقلابی به آرمان اعمار جامعه و انسان های نوین با فرهنگ پیشرو در راه آزادی و برابری واقعی پیوند خون زد.

زنده یاد استاد رسول جرأت در تاریخ مبارزاتی خلق و انقلابیون افغانستان و به ویژه در تاریخ "ساما" به حیث یکی از یازده تن از بانیان و به مثابه یکی از رهبران ارجمند، مطرح و تأثیرگذار "ساما" تثبیت شده است. این رهبر انقلابی در عین داشتن عشق و امید سرشار به زندگی و خوبی هایش مثل هر موجود انسانی دیگر؛ آگاهانه مرگ را به سخریه گرفته و سرانجام در جریان کارزار های پیهم انقلابی با نشستن سرب مذاب جلادان "خلقی - پرچی" بر سینه ستر و پر از امیدش، جاودانه شد و پاسداری از حریم اندیشه و سازمان در راه طولانی و ناهموار تحقق آرمان ایجاد جامعه نوین عاری از ستم، استثمار، نابرابری و تبعیض را به همزمان ادامه کارش به میراث گذاشت.

تا آرمان ایجاد جامعه نوین عاری از ستم، استثمار، نابرابری و تبعیض زنده است و مبارزه در راه تحقق این ایده آل ها در کشور ادامه یابد، نام و یاد استاد رسول جرأت که به مثابه یک کادر و رهبر عالیقدر انقلابی جرأتمندانه علیه ارتجاع، سوسیال امپریالیسم و امپریالیسم از موضع "اندیشه پیشرو عصر" ابراز وجود کرده و به پا خاست، رزمید و جاودانه شد؛ در اذهان و خاطره جمعی همزمان، انقلابیون و ستمکشان کشور زنده خواهد ماند.

تا ستم باقیست، اندیشه انقلابی زنده، مبارزه ناتمام استاد رسول و سائر "رسولان عریان رنج" در راه تحقق آرمان

شکوهمند مستدام خواهد بود!

مرگ بر ارتجاع و امپریالیسم!

یا مرگ یا آزادی!

کمیته فرهنگی سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)

۱۸ جوزای ۱۴۰۱ شمسی